

گروه اسمی (۳) ضمیر

سال پیش آموختیم که ضمیر نیز در نقش هسته‌ی گروه اسمی ظاهر می‌شود. پس، گروه اسمی می‌تواند از یک اسم یا ضمیر به عنوان هسته و یک یا چند وابسته تشکیل شود (وجود وابسته اجباری نیست).

حقیقت همان اندازه رایج خواهد شد که ما آن را رواج می‌دهیم.
ضمیر به مرجع نیاز دارد:

گالیه مرجع ضمیر / قدم به قدم سرنوشت ضمیر / خوش را می‌سازد.

* گاهی مرجع ضمیر به قرینه حذف می‌شود. در اول شخص و دوم شخص حذف مرجع ضمیر بسیار رایج است:

□ همیشه دردم را برای خودم نگه داشته‌ام.

□ اگر چشم‌هایتان را روی هم بگذارید، برایتان قصه می‌گویم.

هر گروه اسمی که هسته‌ی آن ضمیر باشد، می‌تواند برخی وابسته‌ها را به همراه داشته باشد:

(۱) ضمیرهای اشاره‌ی **آن** و **این** وابسته‌ی پسین جمع را می‌پذیرند: **آن‌ها**،

این‌ها، **آنان**، **اینان**.

(۲) ضمیر مشترک **خود** مضاف^۱ الیه می‌گیرد: **خود سعید این خبر را داد**.

(۳) بعضی از ضمائر شخصی جدا گاهی صفت می‌گیرند: **من بیچاره، توی دانش‌آموز**.

کاربرد مؤدبانه‌ی ضمیر

□ برای دوم شخص مفرد هنگام احترام، به جای ضمیرهای (تو، َت) از ضمیرهای (شما و ِتان) استفاده می‌شود:

آقای گاليله، شنیده‌ام که در دانشگاه بیش از هزار شاگرد سرِ درس شما حاضر می‌شوند.
(به جای تو)

استاد، خواهش می‌کنم اجازه بفرمایید برایِتان توضیح بدهم. (به جای برایت)

□ برای سوم شخص مفرد هنگام احترام، به جای ضمیرهای (او، َش) از ضمیرهای (ایشان، ِشان) استفاده می‌شود:

استاد یک جلد کتابشان را به من هدیه کردند. ایشان در این کتاب نظریه‌های جدیدی را مطرح کرده‌اند. (به جای َش و او).

بدین ترتیب، جدول ضمیرهای شخصی به شکل زیر درمی‌آید:

شخص	ضمیرهای جدا		ضمیرهای پیوسته	
	کاربرد عادی	کاربرد مؤدبانه	کاربرد عادی	کاربرد مؤدبانه
گوینده	من	–	مَ –	–
شنونده	تو	شما	تَ –	تِتان –
دیگری	او	ایشان	شَ –	شِشان –

شبه جمله

به این واژه‌ها توجه کنید:

آه، به‌به، هیس، پیشت

هریک از این واژه‌ها به تنهایی همچون جمله‌ای مستقل مفهوم کاملی را می‌رساند اما مثل جمله دارای نهاد و گزاره نیست. گروهی از این واژه‌ها برای بیان عواطف و احساسات اظهار می‌شوند؛ مثل آه، آخ، وای، آهای، آی، به‌به. و گروهی دیگر از آن‌ها برای راندن و خواندن حیوانات به کار می‌روند؛ مانند کیش، پیشت، چخ و ...

بعضی از واژه‌ها از قبیل افسوس، درود، سلام و حیف از نظر لغوی معنا دارند؛ اگر تنها به کار روند، مفهوم یک جمله‌ی کامل را می‌رسانند و در عین حال دارای دو جزء نهاد و گزاره هم نیستند. به این دو دسته واژه وقتی معنایی مانند جمله دارند، شبه جمله می‌گوییم. این واژه‌ها در برخی کاربردها **اسم اند**:

سلام! (شبه جمله)، ساکت

حضرت پیامبر (ص) در گفتن سلام بر همه سبقت می‌گرفت (اسم).

* منادا نیز چه با نقش نما (ای، یا، آی، ا) همراه باشد چه بی آن بیاید «شبه جمله»

نامیده می‌شود.

بیاوزیم

کدام جمله صحیح است؟

الف) این بیمار از ضعف و کم‌خونی برخوردار است و باید تقویت شود.

ب) این بیمار به ضعف و کم‌خونی مبتلا است و باید تقویت شود.

«برخوردار» به معنی «بره‌مند» است و در جایی به کار می‌رود که

مفهوم مثبت و مفید داشته باشد. چنان‌که در نمونه‌های زیر می‌بینیم:

□ این کودک از سلامت کامل برخوردار است.

□ این مدرسه از امکاناتی چون کتابخانه و آزمایشگاه برخوردار است.

□ مکتبی که تلاش‌کننده و پیشگام داشته باشد، به برخورداری می‌رسد.

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

□ این شکل‌های هندسی کامل نیستند و از نقص‌هایی برخوردارند.

□ باید مواظب آن سخنانی خطلی باشیم؛ چون از پوسیدگی فرادانی برخوردار
هستند.

□ این اتاق از چشم انداز نامناسبی برخوردار است.

خودآزمایی

۱) در نوشته‌ی زیر ضمیرها و مرجع هریک را پیدا کنید.

نام این روزنامه به اندازه‌ای بر سر زبان‌ها بود که سید اشرف‌الدین قزوینی مدیر آن را مردم به نام «نسیم شمال» می‌شناختند و همه او را آقای «نسیم شمال» صدا می‌کردند. روزی که موقع انتشار آن می‌رسید دسته دسته کودکان ده دوازده ساله که موزعان او بودند در همان چاپخانه گرد می‌آمدند و هر کدام دسته‌ای بزرگ می‌شمردند و از او می‌گرفتند و زیر بغل می‌گذاشتند. این کودکان راستی مغرور بودند که فروشنده‌ی «نسیم شمال» هستند.

من کودک یازده ساله بودم که اشعار او را به ذهن سپردم. من هر وقت که عکس و شرح حال سران مشروطه را می‌بینم و نامی از او نمی‌شنوم و اثری از وی نمی‌بینم، راستی در برابر این حق ناشناسی کسانی که از خوان نعمت بی‌دریغ او بهره‌ها برده و مال‌ها انباشته و به مقام‌ها رسیده‌اند رنج می‌برم.

(از مقاله‌ی سید اشرف‌الدین قزوینی نوشته‌ی سعید نفیسی)

۲) در مثال‌های زیر، شبه‌جمله‌ها را مشخص کنید:

دریغا بر ملتی که جامه‌ای را بپوشد که خود نیافد و نانی را بخورد که خود گندمش را خرمن نکند.
بیشتر وقایع تاریخی بدان صورت که مورخان دیرین نوشته‌اند رخ نداده است اما افسوس که آنان نوشته‌اند و مورخان بعد نیز بدان پیرایه بسته‌اند.

نشستن و افسوس خوردن و دست روی دست گذاشتن کار خردمندان نیست. اگر مرد میدانید، بسم‌الله و گرنه از وای وای گفتن کاری ساخته نیست.

۳) جاهای خالی را با عبارتهای مناسب کامل کنید.

..... برخوردار شده است.

..... برخوردار می‌شویم.

املا

گزینش‌های املائی (۱)

ردیف	گروه	مثال‌ها (درست)	مثال‌ها (نادرست)	ملاحظات
۱	«ء» و «ع»	آخر، اجر، رأس، لئیم، لمجأ عالم، عجز، بعد، بعین، مجمع	عافر، ... آلم، ...	حرف‌های همزه (ء) و «ع» «ع» نماینده‌ی واج یا صدای /ء/ هستند. برای نوشتن کلماتی که دارای همزه‌ی آغازی هستند، از حرف «الف» استفاده می‌شود.
۲	«ت» و «ط»	تلف، متروک، برات طرب، مطلوب، نشاط توس، تماصب، تهورث، تهران، تشت، تپانج، تپش، تپیدن، اتاق، نفت، بلیت، مایر، باری، آتریش، ای‌تالیا و ...	طلف، ... ترتب، ...	حرف‌های «ت» و «ط» نماینده‌ی واج و صدای /ت/ هستند. در گذشته، برای نوشتن این‌گونه کلمات، مردم بیشتر به حرف «ط» گرایش داشته‌اند اما امروز نوشتن این قبیل کلمات با حرف «ت»، بهتر است. به‌جز اسم‌های خاص که باید مطابق با شناسنامه‌ی افراد باشد.
۳	«ث» و «س» و «ص»	ثابت، مثل، خبیث سالم، جسم، جلیس صادق، مصر، حریص	صابت، صابت، ... نالم، صالم، ... سادق، نادق، ...	حرف‌های «ث»، «س» و «ص» نماینده‌ی واج و صدای /س/ هستند.

اکنون با دقت در جدول صفحه‌ی قبل به توضیح چند نکته توجه کنید.

۱) کلماتی مانند «اجر، رأس، ملجأ» به ترتیب دارای صدای همزه‌ی آغازی، میانی و پایانی هستند. همان‌طور که کلمات «عجز، بعد، مجمع» نیز صدای همزه‌ی آغازی، میانی و پایانی دارند. از مقایسه‌ی این دو دسته کلمات درمی‌یابیم که صدای همزه به هنگام نوشتن گاهی به شکل همزه (ء) و گاهی به شکل عین «ع» ظاهر می‌شود.

از چه راه‌هایی می‌توانیم یاد بگیریم که در املا‌ی تقریری، کلمه‌ی «رأس» را «رأس» بنویسیم نه «رعس» و برعکس، کلمه‌ی «بعد» را «بأد» ننویسیم؟ به عبارت دیگر، ملاک ما در «انتخاب» و «گزینش» صحیح چیست؟

الف) از راه دیدن شکل صحیح کلمه‌ها؛ ما اولین بار کلمات «رأس» و «بعد» را در دبستان با همین املا دیده‌ایم و آن‌ها را با نوشتن تمرین کرده‌ایم؛ در نتیجه، چشم ما با شکل صحیح این کلمه آشنا شده است. این امر در مورد سایر کلماتی نیز که دو یا چند شکل املائی دارند اما یکی از آن‌ها برای ما آشناست، صدق می‌کند.

ب) از راه شناخت اشتقاق و هم‌خانواده بودن کلمه‌ها؛ بنابراین ما کلمه‌های «أُجرت» و «عاجز» را نیز صحیح می‌نویسیم؛ چون آموخته‌ایم که به ترتیب این دو با «أجر» و «عجز» هم‌خانواده هستند.

پ) از راه بی‌بردن به معنی کلمه‌ها؛ بنابراین، در جمله‌ی «خداوند علیم و حکیم است» ما «علیم» را درست می‌نویسیم چون می‌دانیم که «علیم» به معنی داناست و ربطی به کلمه‌ی «الیم» به معنی «دردناک» ندارد.

فَعَالِيَّتْ

چند کلمه را که دارای همزه (ء) یا عین «ع» هستند، مثال بزنید و درباره‌ی راه‌های صحیح نویسی و گزینش درست هریک از این حروف در کلمه‌ها گفت‌وگو کنید.

۲) واج یا صدای /ت/ در نوشتن به شکل دو حرف «ت» و «ط» ظاهر می‌شود ولی یاد گرفته‌ایم که همه جا «تَرک» و «طرد» بنویسیم نه «طَرک» و «ترد». کلماتی چون «حیات»

و «حیاط» را که تلفظ یک‌سان اما معنی‌های متفاوت دارند، به کمک قرینه‌های کلام، صحیح می‌نویسیم. چنان‌که در این جمله‌ها ملاحظه می‌شود:

«حیات او به‌خطر افتاد.» «حیاط خانه را گل‌کاری کرد.»

هم‌چنین، کلماتی مانند «تشت» و «تپیدن» که در قدیم بیشتر به شکل «طشت» و «طپیدن» نوشته می‌شدند بهتر است با حرف «ت» نوشته شوند.

۳) همان‌طور که در کتاب زبان فارسی (۱) گفتیم، کلماتی اهمّیت املائی دارند که دارای یک یا چند حرف از گروه‌های شش‌گانه باشند. حرف‌های همزه «ء» و عین «ع» و حرف‌های «ت» و «ط» دو گروه از همان گروه‌های شش‌گانه‌اند. هم‌چنین است گروه سه‌حرفی «ث»، «س» و «ص» که نماینده‌ی واج /س/ است. کلماتی که دارای این‌گونه حروف هستند، گزینش صحیح کلمه را دشوارتر می‌سازند. در درس بعدی املا با سه گروه دیگر بیشتر آشنا می‌شویم.

فعالیت

از متن درس‌های ۱۳ تا ۱۸ کتاب‌های زبان و ادبیات (۲) املا بنویسید.

گروه کلمات برای املائی شماره‌ی سه

تأمل و دقت – تزیین اتاق – شورای سیاست‌گذاری – مؤسس و بنیان‌گذار –
 منسوب و وابسته – حقوق چندرغاز – حدود مسئولیت – قاطع و سریع – خواب‌گزار دانا –
 شماره‌گذاری اجناس – بیهوده و مُزخرف – زیبا و رعنا – مرجع ضمیر – سبقت و
 پیش‌دستی – موزعان اوراق – خوان نعمت بی‌دریغ – نظام آوایی – به‌ازا و درمقابل –
 مزبور و یادشده – کزتابی و ابهام – نغز و دل‌کش – معلومات و محفوظات – سخن‌منظوم –
 صنف‌های گوناگون – اطلس‌های جغرافیایی – اتلاف وقت – نقل به‌مضمون – ضحاک

ماردوش - سوءظن - تعلل و بهانه‌جویی - مینیاتور و نگارگری - جنگ ناخواسته -
دغدغه و اضطراب - پهلوان نوحاسته - مهاجم و متجاوز - ملجأ و پناهگاه - الیم و
دردناک - مزد و اجرت - لئیم و فرومایه - علم و رایت - کُرهِی اثیر - متبوع و فرمانروا -
توشه و آذوقه - اسطبل ستوران .

روضه‌ی رضوان - گنج قارون - باد شُرطه - کتاب حدیقه الحقیقه - حوزه‌ی ادبیات -
عنان‌گیر و زمامدار - لطف و ملاحظت - نُزل مهمان - نزار و ضعیف - متابعت و پیروی -
تغزل و تشبیب - طاووس عارفان - تخصص و تبحر - منبع الهام - ترجیح و برتری -
تملق و تزویر - صفات مذموم - شکستن طلیسم - شمس‌ها و مقرنس‌ها - قاب‌بندی‌های
محرابی شکل - طُرّه‌های کنار سردر - غرفه‌ها و رواق‌ها - حُجب و ظرافت - طبع و
غریزه - جزمیت و اطمینان - تقریر و بیان - محاوره‌ی عادی - ضربت و صدمت -
حریف مغلوب - مخذول و نالان - استرحام و یاری خواستن - وقار و طُمأنینه - عتاب و
سرزنش - نشاط و طرب - عادت مألوف - ضمایم و تعلیقات - فیاض و جوشان - مطربی
و مسخرگی - لهو و لعب - معاصی منکر - اسکلتی و حشمتناک - قریحه و استعداد -
پلاس مندرس - مایع حرف شویی - سخن‌دان و مصالح‌گو - دموستنس خطیب -
اسب فصاحت - ملهَم و متأثر - آکروباسی‌های خاص - مجذوب و مرعوب - همیشه و
ابدالذهر - چاه ضلالت - کیسه‌ی صفر - اساطیر و افسانه‌ها - حازم و دور اندیش -
صواب و مصلحت - قالب و محتوا - ساز ارغنون - شولای عریانی - طلّیعه‌ی
ظهور - غزوه‌ی اُحد - پای افزار و صله‌دار - روح لیلة القدر - غم‌گزایی عشق - صولت
حیدری - هُرّای شیر - مهمیز اسب - خلعت الهی .

بیاموزیم

املائی کدام گروه از کلمات زیر درست است ؟

(الف) آذوقه ، ارگ ، نردبان ، بادبجان ، تسک ،
دکه ، قورباغه ، یقه ، حوله .

(ب) آذوقه ، ارگ ، نردبام ، بادبجان ، دسک ، دکه ،
قورباقه ، یخ ، هوله .

املائی هر دو دسته درست است و این کلمات به هر دو شکل
در فرهنگ های لغت ضبط شده اند .

اکنون به گروه دیگری از کلمات دو املائی توجه کنید .

(الف) عرابه ، اصطبیل ، طاس ، دنبک ، طوس ، شوید ،
زغال .

(ب) عرابه ، اصطبیل ، طاس ، تمبک ، طوس ، شبت ،
ذغال .

هر دو شکل املائی این کلمات درست است . هر چند گروه

« الف » رواج بیشتری دارند .

خودآزمایی

- (۱) برای کلمات زیر گروه کلمه بسازید :
الم و عَلم، اسیر و عسیر و اثیر، متبوع و مطبوع.
- (۲) برای هر سه گروه ۱، ۲ و ۳ ص ۱۲۶ به تفکیک مثال‌های دیگری بنویسید.
- (۳) چرا گزینش صحیح گروه سه حرفی از دو حرفی دشوارتر است؟ مثال بنویسید.